

آینه

اخبارات

سرمقاله: «۲ کار بزرگ؛ علی‌رضا خانی

اگر بدون پیشداوری و با نگاهی صرفاً غیرسیاسی و عملکردا، عملکرد دولت را در دو حوزه بهداشت و اقتصاد، در یکسال اخیر به‌دوری بنشینیم، می‌توانیم بر مبنای واقعیات موجود، برنامه و مدیریت دولت را مدبرانه و امیدبخش ارزیابی کنیم. دو کار بزرگ، یعنی تحول نظام سلامت و اصلاح شیوه پرداخت پالانه اگر به‌درستی و سلامت انجام شود، بخشی از مشکلات ملموس و عینی و هرروز مردم حل خواهد شد و پیداست که این دو کار، کارهایی کاملاً قابل انجام و شدنی هستند و معلوم نیست چرا تاکنون بر زمین مانده‌اند. در این مسیر، هر گروه و دستگاه و نهادی -از جمله مجلس- چنانچه دولت را همراهی کند، مردم را همراهی کرده است و مورد عنایت و اقبال و قدردنشی مردم خواهد بود.

ایران

سرمقاله: «ایران مانده و منطقه‌ای ناآرام»
مهدی روزبهانی

مردم از محمدجواد طریف و یاران دیپلماتش انتظار دارند که چهره ایران را از کافراطی‌های خارجی سعی کردند به بهانه رفتارهای نامناسب دولت قبل در عرصه بین‌الملل مخدوش کنند؛ امروز نه‌تنها در موضوع هسته‌ای بلکه در سایر مسائل منطقه به زیبایی بر مبنای همان طرح گفت‌وگومحوری که تمدن‌ها را نه به تقابل بلکه به شساخت و همزیستی مسالمت‌آمیز می‌کشاند؛ به نمایش بگذارند. هرچند گاهی عرصه برای فعالیت دیپلمات‌های ایرانی به‌خاطر برخی مسائل تنگ می‌شود؛ اما واقعیت امر در سیاست خارجی ایران امروز تمرکززدایی و حضور فعال در منطقه است. به‌خاطر همین وضعیت درهای تهران دیگر نمی‌تواند به روی کسی بسته باشد. بلکه هر گزی برای حل مهم‌ترین دغدغه‌های منطقه است. هرچند بعد از روی کارآمدن دولت روحانی با شعار اعتدال این مهم تا حدی اتفاق افتاد اما منافع ملت ایران چیزی بیش از این‌ها را طلب می‌کند.

ایران

«انتقاد عجیب ۲۰۳۰ از حامیان کودکان غزه»

صدلوسیما از اعتراض هنرمندان به رژیم صهیونیستی و حمایت از زنان و کودکان بی‌گناه در غزه، ابزار نارسندی کرد. به گزارش تسنیم، ۲۰۳۰ با نشان دادن تصویر هنرمندانی چون اصغر فرهادی، صابر ابر و مهناز افشار، تلاش آنها برای متوقف کردن کشتار غیرنظامیان را «نامیاشی» و «برای کسب پرستیژ» عنوان کرد. مسافحه پیش اصر، فرهادی و بهمهرا نسرین ستوده با انتشار عکسی از خود و با شعار «کشتن همنوعان خود را متوقف کنید»، کمپین اعتراضی نسبت به فجایع رژیم صهیونیستی راه انداختند. بیش از ۲۸هزار نفر تاکنون به این کمپین پیوستند که افرادی چون «هانی ابوسعده، کارگردان مشهور فلسطینی و «خویر بادم»، بازیگر برنده اسکار به این کمپین اضافه شدند. ۲۰۳۰ پیش از این هم با انتشار اخبار جهندار مدعی شده بود که برخی روزنامه‌ها به کشتار مردم غزه بی‌تفاوت هستند. این در حالی است که برخی رسانه‌ها حرکتهای صدلوسیما در قصبه فلسطین را نامیاشی می‌خوانند.

کیهان

سرمقاله: «جنگ مصر و عربستان علیه فلسطین»
سعدالله زارعی

جنگ جاری غزه بیش از آنکه جنگ رژیم صهیونیستی علیه ساکنان بی‌پناه و مقاوم قهرمانانه فلسطینی‌ها باشد، جنگ رژیم‌های مصر و عربستان علیه مردم مقاوم فلسطین است و به‌نظر می‌آید که حداقل از روز ششم جنگ، رده رژیم صهیونیستی به این جهنم‌زدی عملیاتی رسیده بود که باید به جنگ پایان دهد. کمابیتکه انتقادات صریح وزیر خارجه آمریکا از ضعف توانایی تل‌آویو در مدیریت جنگ- که از شبکه فاکس‌نیوز پخش شد- بیانگر آن است که جهنم‌زدی آنان نیز این بود که عملیات نظامی اسرائیل با همه دست بازی که ارتش آن دارد، نمی‌تواند به مقاومت فلسطینی‌ها آسیب بزند. آنچه در غزه جریان دارد مقاومت مسلحانه یک ملت یک‌میلیونی و ۸۰هزار نفری است نه صرفا مقاومت یک سازمان یا چند سازمان چنددهه‌زائرفی. بزرگ‌ترین سند این مدعا این است که هیچ‌کس در غزه علیه مقاومت مسلحانه حرف نزده. فلسطینی‌ها در روند سازش برای خود هیچ نفع و چشم‌اندازی نمی‌بینند در حالی‌که در مقاومت به‌وضوح برای خویش هم نفع و هم آینده روشن می‌بینند.الطاهر هم نصرافریا.

وطن امروز

سرمقاله: «نگاه ژئوپلیتیکی به نبرد غزه»

مهدی محمدی

نشانه‌ای از اینکه نبرد در غزه بزودی پایان یابد، وجود ندارد. صهیونیست‌ها از روز نخست که این تجلوز وحشیانه را آغاز کردند این موضوع را روشن کرده بودند که این‌بار قصد دارند چشم‌خود را روی فشار افکار عمومی به‌طور کامل بینندند و از هر ابزاری که در اختیار دارند برای رسیدن به هدفی که نام آن را «غیرنظامی کردن غزه» گذاشته‌اند، استفاده کنند. نظم قدیم خاورمیانه از میان رفته و نظم جدید هنوز مستقر نشده است. همه این نزاع‌ها بر سر آن است که کدام طرف نظم مطلوب خود را بر منطقه تحمیل خواهد کرد.

سازش

سرمقاله: «در جهان اسلام چه می‌گذرد؟»
محمدکاظم انبارلویی

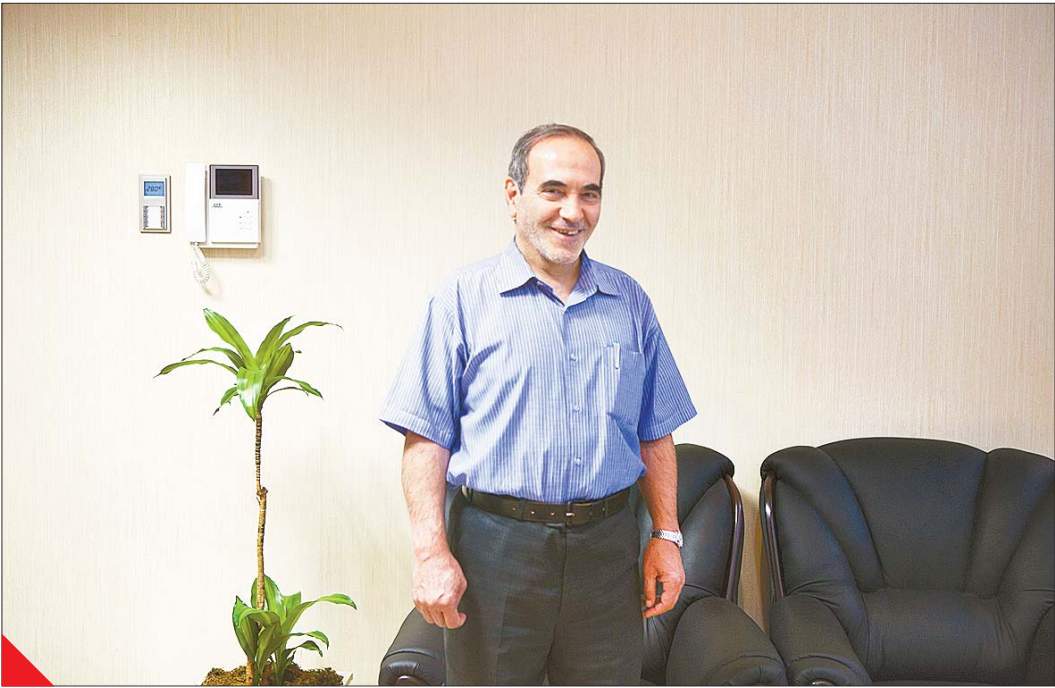
مسیر پیداری اسلامی روشن و شفاف است. به‌زودی دست بازیگران جهانی که سر در آخر سرویس‌های امنیتی و جاسوسی استبداد جهانی دارند رو خواهد شد. به‌زودی بارخیزودها از مسیرهای انحرافی بازخواهند گشت. راه همان است که امام(ره) ترسیم کرده است. ولایت در جوامع اسلامی باید از آن «فقا» باشد. «سفها» یاد از هبری حرکت‌های اسلامی طرد شوند.

سیاست

مر ترضی حاجی در گفت‌وگو با «شرق» مطرح کرد

ناگفته‌های ممنوع‌الخروجی خاتمی

مرجان توحیدی



مرآتتوگوئی در دفتر خود

ممنوع‌الخروجی، ممنوع‌البیانی و ممنوع‌التصویری رئیس‌جمهوری ایران، درخواستی است که تعداد اندکی از تندروهای مجلس طرح کرده‌اند و اصرار هم دارند این موضوع، مصوبه‌ای بوده که اجرا نشده و اکنون دستگاه قضایی باید آن را اجرایی کند؛ موضوعی که البته حتی از سوی سیدمحمد خاتمی هم بی‌اهمیت خوانده شد و حالا مر ترضی حاجی هم همین عقیده را دارد؛ مردی که در سال ۷۶ ریاست ستاد انتخاباتی خاتمی را بر عهده داشت و از اولین افرادی بود که پس از پایان دوران وزارت در دولت خاتمی در هیات موسس «بنیاد باران» حضور داشته است. حاجی با اشاره به تحرکات تندروها معتقد است «در یک مجلس ۳۰۰ نفری طبیعی است که ۱۰ نفر هم چنین نظری داشته باشند و این موضوع خیلی اهمیت ندارد.» وزیر آموزش و پرورش دولت اصلاحات البته به صراحت درباره اینکه واقعا حکمی برای ممنوع‌الخروجی خاتمی وجود داشته یا خیر، حرفی نمی‌زند اما معتقد است هر کسی که در قوهقضاییه کار می‌کند، نمی‌تواند حکم ممنوع‌الخروجی دهد. او در عین حال از تعطیلی دفتر خارجی مرکز گفت‌وگوی تمدن‌ها خبر می‌دهد و می‌گوید این مرکز به دلیل ممانعت‌هایی که از سفر سیدمحمد خاتمی به خارج از کشور روی داد، تعطیل شد. ماحصل این گفت‌وگو را در ذیل می‌خوانید:

اما در مورد سفر به آفریقای جنوبی و حضور ایشان در مراسم بزرگداشت نلسون ماندلا که خود ایشان نیز ابراز تمایل کرده بودند، از این ابراز تمایل، اینگونه برداشت شد که اگر هم ممانعت‌هایی وجود داشته به‌نوعی برطرف شده اما ظاهرا رفع نشده بود؟ احساس نمی‌شد دلیلی وجود داشته باشد که ایشان نتوانند در چنین مراسمی شرکت کنند.

اما با توجه به آن پیشینه‌ای که از سفر آقای خاتمی منعایت شده بود، می‌توانست دلیلی وجود داشته باشد که این سفر هم انجام نشود. بله. آن پیشینه مطرح بود. ولی تا آنجا که می‌دانم چون حکمی در آن زمان ابلاغ نشده بود، یعنی رای مرج قضایی ابلاغ نشده بود، شاید تصور این بود که یک اختلاف‌سلیقه سیاسی بین دولت و مقام ایشان بوده است. ولی به‌نظر من جای ایشان در آن مراسم خالی بود.

ا یعنی در جریان سفر به آفریقای جنوبی به‌طور مشخص معرز شد که قیلا برای ممنوع‌الخروجی ایشان حکم وجود داشته است؟ احتمالا اینگونه است.

ا علاوه بر نگرانی از سفرهای آقای خاتمی، ظاهرا نگرانی دیگری در مورد رفت‌آمدهایی که به دفتر ایشان انجام می‌شود، وجود دارد؟

تا آنجا که اطلاع دارم این دفتر، همیشه دایر بوده و رفت‌وآمدها در آن جریان داشته است. آنجا دفتر کاری آقای خاتمی است که راجعه به یکسری مطالب مطالعه می‌کنند و گاهی افراد مختلف از ایشان وقت ملاقات می‌خواهند که ایشان هم فروگذار نمی‌کنند. از افرادی هم که علاقه‌مند هستند خطبه عقندشان را ایشان جاری کنند، آقای خاتمی با روی باز استقبال می‌کند. تا آنجا که من خبر دارم کار دیگری در آنجا انجام نمی‌شود و همیشه هم همین‌گونه بوده است.

ا در یک‌سالگی ریاست‌جمهوری آقای روحانی یک‌سری از نمایندگان مجلس تقاضا می‌دهند که آقای خاتمی حتی چهاره‌اش هم دیده نشود یا صدایش شنیده نشود. این نگرانی نشانه چیست و چرا این نگرانی دوباره درباره آقای خاتمی مطرح شده؟

این بحث خیلی مهم نیست. به‌نظر من نباید به این موضوع پرداخت. در یک کشور ۸۰میلیونی بالاخره هستد کسانی که دیدگاهشان با دیگران متفاوت است و این موضوع عجیبی نیست که در یک مجلس ۳۰۰ نفره، ۱۰ نماینده هم یک دیدگاه متفاوت داشته باشند، مصویت مجلس هم هیچ‌وقت به اتفاق آرا نیست، همه که مثل هم نیستند. خیلی اهمیت ندارد که چندنفر از آقایان نماینده خواسته‌ای داشته باشند، مقررات مجلس هم اجازه می‌دهد استئشان را از تریبون اعلام کنند و به اعتقاد من اهمیت چندانی ندارد.

ا آقای خاتمی هم گفته‌اند این موضوع برایشان اهمیت چندانی ندارد، با این حال ایشان از سفرهای خارجی جا مانده‌اند، واکنش شخصی خودشان به این موضوع چیست؟ طبیعتا دچار رجش خاطر هستند.

ا گلابه‌ای هم داشته‌اند؟

همین‌گونه بوده است. اما بعد از اینکه یکی، دو دفتر استانی در ارومیه و مشهد افتتاح شد، برخی مخالفان مطرح کردند که آقای خاتمی می‌خواهد از طریق بنیاد باران کار سیاسی انجام دهد و این موضوع را با اهداف بنیاد باران مغایر دانسته و می‌گفتند اگر قرار است چنین اتفاقی بیفتد، باید ایشان در خواست حزب بدهد. لطفا بفرمایید اصل فعالیت‌های بنیاد باران چگونه بوده است.

بنیاد باران، بنیادی است که در اوایل دولت آقای خاتمی تشکیل شد و به‌عنوان یک مرکز مطالعاتی در حوزه مسایل مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و حتی سیاسی کشور، برنامه‌ریزی شد. یک مرکز مطالعاتی می‌تواند پروژه‌های مختلفی از جمله مسایل سیاسی را مورد مطالعه قرار دهد. این مطالعات به معنی انجام کار سیاسی نیست همچنان که مطالعات اقتصادی نیز به معنای انجام کار اقتصادی نیست. یکی از نکات مهمی که در تاسیس بنیاد باران مورد توجه قرار داشت، این بود که تعداد زیادی از مدیران کشور که سال‌ها تجربه مدیریت داشتند وقتی سمت‌هایشان تغییر کرد یا بازنشسته شدند و کنار رفتند، تجربیاتی که در دوره مدیریت آنها حاصل شده است مستند شود و به‌عنوان یک دستاورد در اختیار مدیران جدید کشور قرار گیرد. بنیاد باران از جمله کارهایی که در دستور کار خود قرار داد، مستندکردن این تجربیات برای استفاده نسل آینده و مدیران بعدی بود. همانطور که می‌دانید وزرا، سفرا، نمایندگان مجلس، استانداران و مدیران کل دوره اصلاحات مشمول این برنامه بودند و در بنیاد حضور پیدا کرده و هر کدام از تجاربشان سخن می‌گفتند یا آن را مکتوب می‌کردند. این موضوع در ذهن افراد منفی‌نگر که به‌دنبال بهانه هستند تا ذهنیت منفی خودشان را اثبات کنند، اینگونه تداعی می‌کند که بنیاد بنیاد یک مرکز سیاسی است، در حالی‌که اینگونه نیست و آقای خاتمی هم اگر بخواهد کاری سیاسی در انتخابات یا غیر انتخابات بکند، نیازی به بنیاد باران ندارد. بنابراین، این یک اشتباه است که کسی تلقی کند که بنیاد باران یک مرکز سیاسی است.

ا چرا روند افتتاح دفاتر استانی کند است؟

به‌دلیل اینکه این کار پرهزینه است و بنیاد هم توان مالی زیادی ندارد.

ا تا مینال مالی بنیاد به چه شکل است؟ حرف‌هایی مطرح است که روزهای آخر دولت آقای خاتمی یعنی سال ۸۴، طی مصوبه‌ای بنیاد را جزو شرکت‌های تحت نظر قانون استخدام کشوری قرار می‌دهند و به همین دلیل هم افرادی که در بنیاد عضو بودند یا حضور داشتند، کارمند دولت محسوب می‌شوند که گویا این مصوبه از سوی دولت نهم لغو شد. صحت و سقم این موضوع چگونه است؟

این مساله مربوط به بنیاد نبوده است. کسی که چندین‌سال رئیس‌جمهوری بوده و از نظر سیاستمداران جهان شخصیتی مطرح و صاحب‌نظر است و دنیا روی نظراتش حساب می‌کند، قاعدا ت دیدارهایی دارد و در مسایل داخلی و خارجی مورد پرسش خبرنگاران و سیاستمداران قرار می‌گیرد. بنابراین طبیعتا به دفتری نیاز دارد که این نیازها را رفع کند. همان‌طور که به او خدمات حفاظتی و حمل‌ونقل ارایه می‌شود و محافظانش کارمند دولت، سپاه یا نیروی انتظامی هستند، چطور آقای خاتمی می‌تواند راننده داشته باشد ولی نمی‌تواند از چند کارشناس که روی موضوعاتی کار می‌کنند و نقطه‌نظرات روشن‌تر، شفاف‌تر، مستندتر و کارشناسانه‌تری ارایه می‌کنند که به کمک آقای خاتمی بیاید، استفاده کند. چنین مصوبه‌ای وجود داشت که دولت بعدی، این را نسنسندید و باطل کرد اما بعدا فهمید اشتباه کرده است. بنابراین موضوعی که شما اشاره کردید ربطی به بنیاد باران ندارد، بلکه مربوط به دفتر رئیس‌جمهوری سابق بوده است که در همه‌جای دنیا مرسوم است و در ایران هم باید چنین رسمی باشد. همان‌طور که خدمات حفاظت و حمل‌ونقل را در اختیار رئیس‌جمهوری سابق سابق قرار می‌دهند، او باید بتواند از چند نیروی کارشناسی هم در دفترش استفاده کند.

ا منابع مالی بنیاد چگونه تامین می‌شود؟

از کمک‌های مردمی و حق عضویت‌هایی که اعضا می‌دهند. البته این رقم یک حداقل‌هایی را دارد ولی معمولا افرادی که کمک می‌کنند و حق عضویت می‌دهند، اکتفا نمی‌کنند و اگر توان مالی بیشتری داشته باشند، بیشتر از حق عضویت را می‌پردازند و از جایی برایشان دلار نمی‌آید(باخنده)

ادامه از صفحه اول

راه باقیمانده برای غرب

در نتیجه پیگیری‌های اینجینیی از سوی آمریکا و فضای گرگ و میشی که برای ایران ساخته است علل دیگری نیز به غیر از نگرانی‌های هسته‌ای می‌تواند داشته باشد. یکی از این نگرانی‌ها نفت است. اوپک به‌عنوان یکی از سازمان‌های غیر اروپایی و غیرآمریکایی که توانایی تاثیر مستقیم بر اقتصاد جهانی را دارد همواره مورد توجه و حسادت سیاستمداران آمریکایی بوده است تا جایی که کاخ سفید ارزوی خود مبنی بر نابودی اوپک را پنهان نکرده است و این تحریم نفتی و مالی ایران به بهانه فشار بر ایران برای کنارگذاشتن حتی برنامه‌های آموزشی، پژوهشی و صلح‌آمیز هسته‌ای خود از سوی آمریکا و همدستان آن می‌تواند یکی از اهداف شوم آنان در رسیدن به ارزوی دیرینه خود باشد چراکه تحریم نفتی ایران به‌عنوان کشوری صاحب نفوذ در اوپک در نهایت موجب تضعیف جایگاه این سازمان خواهد شد. اما ایران بار هم به‌دنبال چیز دیگری است. ایران بنابر راهبرد اساسی خود که توسط مقامعظم‌هبری بارها به آن تاکید شده است کاهش تکیه بر بر آمدهای نفتی را سرلوحه برنامه‌ریزان و قانونگذاران کشور قرار داده است و در دوسال اخیر اقتصاد مقاومتی نیز در دکرترین اقتصادی و دفاعی ایران جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است. دسترسی ایران به برق هسته‌ای به‌عنوان یک انرژی پاک و به‌تبع آن آب‌شیرین به دست‌آمده در اثر میعان بخار آب شور که فرآیند خنک‌سازی راکتورهای هسته‌ای را انجام داده است می‌تواند تکیه بر چاهای نفت را تا حدود زیادی کاهش دهد و تاثیرات منفی بر اقتصاد و کشاورزی سرزمین‌های اطراف راکتورهای هسته‌ای بر جا بگذارد. علاوه بر اینها بر اساس پیمان کیوتو کاهش میزان گازهای گلخانه‌ای که عموما از سوخت‌های فسیلی و نفت حاصل می‌شود مورد توجه قریب باثقال کشورهای جهان از جمله ایران قرار گرفته است. طبق این پیمان کشورهای دنیا موظف به استفاده از منابع انرژی پاکیزن و از نوع پاک هم‌چون انرژی خورشیدی، انرژی بادی و نیز انرژی هسته‌ای شده‌اند. در میان منابع انرژی تجدیدپذیر و پاک این انرژی هسته‌ای تولیدشده از راکتورهای هسته‌ای دنیا هستند که بسیار مورد توجه قرار گرفته و به‌عنوان ارزش‌ترین منبع انرژی محسوب می‌شود. کشورهای آمریکا، فرانسه، ژاپن و روسیه به ترتیب با دلارهای ۸۱، ۴۸، ۳۳ و ۲۳ اکتور هسته‌ای به تنهایی بیش از ۵۵درصد برق هسته‌ای دنیا از مجموع ۴۳۵ اکتور هسته‌ای ساخته‌شده در دنیا، تولید برق می‌کنند و از کشورهای خود تولید می‌کنند و از مزایای فراوان این راکتورها دهه‌های متمادی است که بهره‌مند شده‌اند. در حالی‌است که ۷۲ اکتور هسته‌ای دیگر در برخی از کشورهای حوزه حمله ساخته‌شده عربی در دست احداث است. در نتیجه می‌توان اینگونه نتیجه‌گیری کرد که آنچه غرب را هراسان می‌کند این است که توانایی خود در دسترسی و مدیریت سیستماتی مهم با پتانسیل تاثیرگذار در معادلات آینده جهانی را کم‌رنگ ببینند. تاسیساتی که نمی‌توان آن را خارج از اراده جی ملت (ایران) برای تولید برق هسته‌ای، داروهای کش سرطان، آب‌شیرین و در نهایت خودکفایی و بالا بردن سطح دانش و تخصص در زمینه‌های گوناگون صنعتی و علمی دانست و تهمت‌های ناروا و مهیم به فعالیت‌های شفاف هسته‌ای ایران کم‌کم رنگ‌باخته و غرب را سر درگم کرده است. این در حالی است که تنها راه باقیمانده برای غرب که گزینه‌های متعددی را همواره به رخ کشیده‌اند این است که خود را از طریق قطع مذاکرات به طرف ایرانی نزدیک کند تا بتواند هم دلار خود باشند و هم داعیه تاثیر خود و هدایت فعالیت‌های هسته‌ای کشورها را از تریبون‌های خود اعلام کند.

ادامه از صفحه ۴

بهبود صنعت، افت کشاورزی

این رکود در تمام بخش‌های اقتصاد ما حاکم شده بود. اگر چه وخامت اوضاع در بخش صنعت، خود را بیش از بقیه بخش‌ها نشان می‌داد و نرخ رشد اقتصادی بسیار پایین این بخش یکی از موارد دیگر به چشم می‌آمد. نکته قابل توجه دیگر این بود که زمانی که بخش صنعت دچار رکود اقتصادی می‌شود این رکود به دیگر بخش‌ها و از جمله بخش خدمات هم سرایت می‌کند. محدودیت‌های ارزی و ریالی در یکی، دوسال گذشته شدت یافت و ناکارآمدی مدیران در کنار تشدید تحریم‌ها بر وخامت اوضاع صنعت بخش‌پیش دامن زد و رکود عمیقی بر اقتصاد ایران حاکم شد. نرخ رشد اقتصادی به‌شدت کاهش یافت. این در حالی است که بر اساس برنامه چهارم و پنجم توسعه و سند چشم‌انداز باید سالانه نرخ رشد اقتصادی هشت‌درصد افزایش می‌یافت. اما ما نه تنها نتوانستیم به برنامه خود عمل کنیم بلکه به میزان بسیار زیادی، از برنامه‌های توسعه جا ماندیم. دولت قبل هم نه تنها اقدامی برای بهبود نرخ رشد اقتصادی انجام نداد، بلکه با تصمیمات نادرست و غیرعلمی و مدیریت ناکارآمد اقتصادی موجب شد که ما از اهداف خود به شدت عقب بمانیم. دولت حتی به این موضوع هم اکتفا نکرد و آمار ساختگی را در زمینه نرخ رشد اقتصادی اعلام کرد که نمای غیرواقعی از اقتصاد ایران را به نمایش می‌گذاشت. این نوعی دروغ‌پردازی در آمار بود که موجب بی‌اعتمادی شد.

در این میان، هم اوضاع صنعت وخیم بود و هم آماری که اکنون منتشرشده، نشان می‌دهد که نرخ رشد بخش کشاورزی در حال کاهش است. اما این کاهش در نرخ کلی رشد اقتصادی چندان تأثیری ندارد؛ دلیل این است که سهم بخش کشاورزی از اقتصاد ۱،۸سهم صنعت ۳۰ و سهم خدمات ۵۰درصد است. بر این اساس تاثیرات کاهشنی یا افزایشی بخش کشاورزی نمود چندانی در نرخ کلی اقتصاد ندارد و چندان دیده نمی‌شود.